

حمایت از اماکن فرهنگی – تاریخی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی افغانستان

زینب صابری¹

چکیده:

اماکن فرهنگی – تاریخی دارای اهمیت فراوانی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای ملت‌ها بوده و بخشی از حقوق فرهنگی افراد به شمار می‌روند. تخریب این اموال چه در زمان صلح و چه در حین مخاصمات مسلحانه یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی بوده است. از همین‌رو در سطح بین‌المللی و داخلی، کشورها در حمایت از این اموال به تهیه و تدوین قواعد و مقرراتی پرداخته‌اند که ثبت این اموال در «فهرست میراث جهانی» مهم‌ترین سازوکار حمایتی است که پیامدهای مثبت فراوانی را به دنبال دارد.

در قوانین داخلی جمهوری اسلامی افغانستان تخریب، قاچاق، تملک و تصرف این اموال جرم‌انگاری شده و برای مرتکبان این جرایم مجازات در نظر گرفته شده است. اما با روی کار آمدن طالبان که خود مسئول تخریب بسیاری از اماکن فرهنگی – تاریخی افغانستان در سال‌های گذشته و همچنین سال جاری هستند؛ حمایت و حفاظت از اموال فرهنگی – تاریخی افغانستان، جایگاه آن در قوانین طالبان و مسئولیت حمایت و حفاظت این میراث به یک سؤال مهم برای مردم افغانستان تبدیل شده است.

کلید واژگان: اماکن فرهنگی-تاریخی، حمایت، اسناد بین‌المللی، حقوق افغانستان، طالبان.

مقدمه:

افغانستان کشوری است که تاریخش با جنگ‌های داخلی و خارجی گره خورده است و همواره شاهد نقض فاحش بسیاری از اصول و قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. جنگ‌های داخلی افغانستان بیشتر رنگ و بوی قومی – مذهبی داشته‌اند و در این میان طرف‌های درگیر به خصوص اقلیت‌های قومی و مذهبی آسیب‌های فراوانی را متحمل شده‌اند. زمانی که یکی از طرف-های درگیر یک گروه تندرو مانند طالبان بوده است این آسیب‌ها پررنگ‌تر بوده‌اند.

در این میان و در کنار تمامی آسیب‌های وارده، تخریب و از بین رفتن اموال و اماکن فرهنگی و تاریخی، موجب نگرانی افراد داخل کشور و همچنین جامعه جهانی گردیده است که در طول مخاصمات و یا غیر از آن به صورت خواسته و یا ناخواسته تخریب می‌شوند. در طول سالها جنگ در افغانستان، بسیاری از آثار و اماکن تاریخی و فرهنگی به صورت عمدی مورد تخریب قرار گرفته‌اند و بسیاری از آثار دیگر به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند. این امر لطمه بزرگی بر روح و روان مردم افغانستان و همچنین اقتصاد و فرهنگ کشور وارد ساخته است و به همین دلیل دارای اهمیت فراوانی است.

حال با توجه به این حجم از آسیب‌هایی که تخریب آثار فرهنگی می‌تواند در پی داشته باشد، آیا اسناد بین‌المللی این آثار را مورد حمایت و حفاظت قرار داده است؟ موضع حقوق داخلی افغانستان با توجه

¹ ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی

به این که این کشور سالهاست در جنگ به سر می‌برد و بسیاری از آثار فرهنگی و تاریخی‌اش تخریب شده است، چیست؟ موضع امارت اسلامی در قبال این میراث چیست؟

در اسناد بین‌المللی مختلف اعم از کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و معاهدات روش‌های مختلف حمایت از اشخاص و اموال غیرنظامی به چشم می‌خورد و در حال حاضر برخی از این قواعد به عنوان قواعد امره بین‌المللی پذیرفته شده است. قانون اساسی افغانستان آثار فرهنگی و تاریخی را ملکیت دولت دانسته و قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی را به تصویب رسانده است. همچنین در کد جزا و قانون جزای سابق نیز به این موضوع هر چند اندک پرداخته شده است.

1-1- حمایت از اموال فرهنگی – تاریخی در اسناد بین‌المللی:

در ابتدا به بررسی مفهوم اموال فرهنگی – تاریخی در اسناد بین‌المللی پرداخته و سپس به مرور اسناد بین‌المللی که به حمایت و حفاظت از این اموال پرداخته‌اند و چگونگی این حمایت و حفاظت می‌پردازیم.

1-1- مفهوم اموال فرهنگی – تاریخی

معاهده 1954 لاهه یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در خصوص حمایت از اموال فرهنگی – تاریخی در مخاصمات مسلحانه است. تعریف بیان شده در این کنوانسیون جامع‌ترین تعریفی است که می‌توان از اموال و اماکن فرهنگی – تاریخی بیان کرد (Brooks, 2015: 13). طبق تعریف این کنوانسیون، «اموال منقول و غیرمنقول واجد اهمیت بسیار بالا به عنوان میراث مشترک فرهنگی انسان‌ها همانند مقبره‌های دارای سبک معماری و غیره، آثار هنری یا تاریخی، مذهبی و غیرمذهبی، اماکن باستان‌شناختی، مجموعه‌ای از ساختمان‌هایی که به صورت کل واجد اهمیت هنری یا تاریخی هستند، نسخ خطی، کتب و سایر موضوعات هنری-تاریخی یا باستانی یا مجموعه‌های علمی از کتب یا آرشیوها یا تکثیر بدون مجوز اسناد فوق، بناهایی که اموال فوق‌الذکر در آن‌ها برای نمایش محافظت می‌شود همانند موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ و غیره، اماکنی که اموال فرهنگی متعددی در آن نگهداری می‌شوند».

کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب 1972 نیز تعریفی کلی و جامع از میراث فرهنگی ارائه نکرده است، بلکه با ابتدا بر مفهوم بنیادین و محوری «ارزش جهانی استثنایی» با تقسیم میراث فرهنگی به آثار، مجموعه‌ها و محوطه‌ها، مصادیقی برای هر یک از گروه‌های مذکور بیان کرده است (فروغی و دیگران، 1399: 184).

ارزش جهانی استثنایی، به معنی اهمیت فرهنگی آن چنان است که از مرزهای ملی فراتر رفته و برای نسل حاضر و آتی بشریت اهمیت یکسان دارد و بنابراین، حفاظت از چنین آثاری برای جامعه جهانی دارای اهمیت است. کمیته میراث جهانی، آثاری را واجد ارزش جهانی استثنایی می‌داند که نشانه شاهکار نبوغ خلاقانه بشر باشد؛ شاهد تبادل ارزش‌های بشری در یک دوره زمانی خاص یا منطقه فرهنگی جهانی باشد که به توسعه معماری یا فنی، آثار بزرگ هنری، شهرسازی یا طراحی

چشم اندازها منجر شده باشد؛ نمونه منحصر به فرد حداقل استثنایی یک سنت فرهنگی یا تمدنی زنده یا نابود شده باشد؛ نمونه برجسته‌ای از گونه‌ای از بناها و مجموعه‌های معماری یا فناوری یا چشم اندازهایی باشد که نمایانگر مرحله یا مراحل بارز از تاریخ بشری است؛ یا به صورت مستقیم، به طرز ملموس با رویدادها یا سنت‌های زنده، عقاید، باورها، آثار هنری یا ادبی برجسته جهانی در ارتباط باشد (WHC, 2008: 77).

1-2- حمایت

حمایت از میراث فرهنگی در واقع حمایت از منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صلح است. همین امر دولت‌ها را بر آن می‌دارد تا از این میراث حمایت و حفاظت نمایند. با توجه به این که عوامل تخریب میراث فرهنگی گوناگون هستند؛ حمایت و حفاظت از این میراث نیز گوناگون هستند و در تمامی زمان‌ها بایستی رعایت گردند.

با توجه به اسناد موجود در زمینه حمایت از آثار و اماکن فرهنگی و تاریخی؛ حمایت مجموعه‌ای از اقدامات اثباتی - ایجابی و سلبی است. اقدامات اثباتی یا ایجابی، لزوم انجام برخی اعمال، مانند لزوم حمایت از مراکز هنری است و اقدامات سلبی، لزوم ترک فعل یا خودداری از انجام دادن برخی اعمال، مانند ممنوعیت اقدامات مقابله به مثل مسلحانه در مورد اموال فرهنگی هستند. شاکله ممنوعیت و تخریب و غارت میراث فرهنگی در هنگام خصامات مسلحانه را برای اولین بار در کنفرانس صلح لاهه می‌توان یافت و کنوانسیون‌های چهارم ژنو 1949 و پروتکل اول 1977 از مهم‌ترین کنوانسیون‌ها در حمایت از اموال و اماکن فرهنگی و تاریخی است.

بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در سه بعد صورت می‌گیرد: الف- حمایت عام، ب- حمایت خاص و ج- حمایت عالی یا فزاینده.

الف- حمایت عام:

حمایت عام از اموال فرهنگی مبتنی بر صیانت و پاسداری از این اموال و احترام نسبت به آنهاست. در ماده 3 کنوانسیون پیش‌بینی شده است که: «طرف‌های کنوانسیون متعهد می‌شوند که در زمان صلح صیانت از اموال فرهنگی را که در سرزمین آن‌ها قرار گرفته برای جلوگیری از نتایج قابل پیش‌بینی یک نزاع مسلحانه با وضع مقرراتی که مناسب تشخیص می‌دهند، بر عهده بگیرند»²

این ماده در حقیقت هشدار است به تمامی کشورها تا در یک مخاصمه مسلحانه غافلگیر نشوند و در زمان صلح پاسداری از این اموال را با اتخاذ تدابیر ضروری تأمین نمایند. تشخیص وضع مقررات به عهده دولت گذاشته شده است که اموال فرهنگی در سرزمین آن وجود دارد و این امر منطقی به نظر می‌رسد، زیرا این دولت است که صاحب منافع فرهنگی خویش است هرچند که این آثار به جامعه انسانی تعلق داشته باشد. به علاوه دولت بهتر می‌تواند بر آن‌ها کنترل داشته باشد (گودرزی، 1396: 45). بنابر بند 1 ماده 4 این کنوانسیون؛ تمام اموال فرهنگی باید مورد حمایت

²Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulation for the Execution of the Convention 1954, Article 03 .

عام قرار گیرند و نیاز به ثبت خاصی ندارند... بر اساس مواد بیان شده حمایت عام چه در زمان صلح و چه در حین مخاصمات مسلحانه بایستی رعایت گردد.

ب- حمایت خاص:

برخی از اموال فرهنگی - تاریخی دارای چنان اهمیتی هستند که مقرراتی خاص در جهت حمایت و حفاظت از آنها ضروری است. کنوانسیون لاهه به حمایت خاص از این اموال توجه فراوان کرده و با شروطی این حمایت را پذیرفته است. نشان‌گذاری اموال فرهنگی تحت حمایت خاص الزامی و اجباری است³. هدف از این نشان‌گذاری شناسایی آسان اموال مزبور است⁴. بنابراین دولتی که اموال فرهنگی مزبور در سرزمینش واقع شده‌اند، متعهد است تا این اموال را نشان‌گذاری نماید. در غیر این صورت طرف متخاصم را نمی‌توان مقصر دانست، بلکه می‌توان خود آن دولت را مسؤول و مقصر شناخت. بنابراین، دولت‌های عضو کنوانسیون اموال فرهنگی می‌توانند تعداد معدودی از اموال فرهنگی را مورد حمایت خاص قرار دهند (ماده 9). مطابق بند نخست از ماده (8) کنوانسیون اموال فرهنگی حمایت خاص فقط در مورد اموال فرهنگی زیر قابل تصور است: - پناهگاه اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، - مراکز در بردارنده آثار تاریخی، - اموال فرهنگی غیرمنقولی که اهمیت بسیار زیادی دارند (فلک، 1387: 516). با توجه به مواد ذکر شده کنوانسیون، حمایت خاص مشمول شرایط زیر می‌باشد:

1- این اموال باید به ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی مورد حمایت خاص نزد یونسکو برسند (بند ششم ماده 8 کنوانسیون اموال فرهنگی).

2- این اموال باید در فاصله مناسبی از یک مرکز صنعتی مهم یا هر هدف نظامی با اهمیت که حساس باشد واقع شوند (بند اول ماده 8 کنوانسیون اموال فرهنگی).

ج- حمایت عالی

علاوه بر حمایت عام و خاص، نوع دیگری از حمایت با عنوان حمایت عالی در کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی بیان شده است. پروتکل دوم 1999 الحاقی به کنوانسیون لاهه، به جای حمایت خاص از «حمایت عالی یا فزاینده»⁵ از برخی از اموال فرهنگی سخن به میان آورده که عرفی بودن قواعد ناظر بر آن محل تردید است. شرط بهره‌مند شدن از این حمایت این است که علاوه بر عضویت در عهدنامه دولت مزبور به پروتکل نیز ملحق شده باشد و کشورهایی که تنها عضو کنوانسیون هستند، تنها می‌توانند از حمایت خاص برخوردار گردند نه حمایت عالی. حمایت عالی یا فزاینده را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: مواد 10 و 11 پروتکل مقرر می‌دارند که هر کشور عضو پروتکل می‌تواند اموال فرهنگی خود را تحت حمایت عالی یا فزاینده در آورد به شرطی که اولاً آن مال یکی از مهم‌ترین اموال فرهنگی بشریت باشد. ثانیاً به موجب اقدامات اداری و قانونی

³ Article 10- Convention 1954.

⁴ Article 06- Convention 1954.

⁵ Enhanced Protection

متناسب داخلی که ارزش تاریخی و فرهنگی استثنایی آن شناسایی می‌شود، حمایت شده و در بالاترین سطح حمایت از آن تضمین شود. ثالثاً برای مقاصد نظامی یا برای پوشش مکان‌های نظامی استفاده نشده و اعلامیه‌ای توسط کشوری که کنترل مال فرهنگی را بر عهده دارد، برای تأیید این که مال برای مقاصد مزبور به کار نخواهد رفت، صادر شود (ماده 10 پروتکل). کشور مذکور پس از رعایت شرایط یاد شده، آن مال را به کمیته حمایت از اموال فرهنگی در حین درگیری مسلحانه که در پروتکل پیش‌بینی شده (ماده 24) معرفی می‌کند. چنانچه کمیته شرایط اعطای حمایت عالی را تأیید و تصویب کند دستور ثبت آن را در فهرست اموال فرهنگی مورد حمایت عالی صادر و مراتب را به دبیرکل یونسکو و سایر طرف‌های پروتکل ابلاغ می‌کند (ماده 11 پروتکل).

لازم به ذکر است که هرگونه استفاده از این اموال یا محوطه پیرامون آن‌ها در حمایت از اقدامات نظامی ممنوع است. طبق ماده 12 پروتکل اموال فرهنگی تحت حمایت عالی یا فزاینده دارای مصونیت هستند که شامل موارد زیر می‌گردد: 1- خودداری از هدف حمله قرار دادن آن‌ها؛ به بیان دیگر هرگونه استفاده از این اموال یا محوطه پیرامون آن‌ها در حمایت از اقدامات نظامی ممنوع است. 2- تضمین حمایت از آن‌ها در مقابل اقدامات نظامی.

3-1- رویکردهای موجود در زمینه حمایت از اموال فرهنگی - تاریخی

دو رویکرد نظری در مورد اموال فرهنگی وجود دارد؛ که رویکرد بین‌الملل‌گرایی فرهنگی یا انترناسیونالیسم فرهنگی بر این مقدمه مبتنی است که اموال فرهنگی، صرف‌نظر از منشأ یا موقعیت فعلی‌شان، بخشی از میراث مشترک بشریت می‌باشند. در نتیجه، تمام دولت‌ها در حفاظت و صیانت از اموال فرهنگی ذینفع می‌باشند. فراملی‌گرایی معطوف بر این ایده است که میراث جهانی متعلق به تمام مردم بوده و میراث فرهنگی تمام بشریت محسوب می‌شود. مطابق تفکر فراملی‌گرایی فرهنگی، همه افراد در نگهداری و بهره‌برداری از تمام اموال فرهنگی، در هر کجا که باشد و از هر منشأ جغرافیایی یا فرهنگی که باشد، دارای منافع هستند (Willis, 2005: 229). به عبارت دیگر، فراملی‌گرایی، میراث فرهنگی را متعلق به مردمان جهان می‌داند و آن را به شهروندان کشوری که این اموال در آن قرار دارند، محدود نمی‌کند. فراملی‌گرایی میراث فرهنگی بر خلاف ملی‌گرایی فرهنگی، این گونه استدلال می‌کند که برای حمایت از میراث فرهنگی، بدون توجه به اولویت‌های کشور میزبان اثر هنری، باید مداخله کرد. فراملی‌گرایی، جامعه جهانی و نه دولت - ملتی که در قلمرو خود محدود است، را خاستگاه میراث فرهنگی تلقی می‌کند (Anglin, 2005: 46). بنابراین، فراملی‌گرایی، میراث فرهنگی را به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت می‌پندارد؛ به گونه‌ای که این اشیا همچون آب یا هوا منبع مشترک محسوب می‌شوند و کشورهای میزبان این منابع، متولیان این اموال هستند که آن‌ها را به نفع کل جامعه بین‌المللی اداره می‌کنند (Wangkeo, 2003: 183).

میراث مشترک بشریت بر اساس پنج معیار اساسی تعریف می‌شود: اول، این گونه میراث قابل تخصیص و تملک نیستند؛ دوم، تحت نظام میراث مشترک بشریت، از همه اشخاص انتظار می‌رود که در مدیریت این میراث شریک باشند؛ سوم، در صورت بهره‌برداری، منافع عواید از آن باید میان بشریت تقسیم شود؛ چهارم، این میراث باید به طور مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه مورد بهره‌برداری

قرار بگیرد؛ و پنجم، تحقیقات علمی در مورد این میراث مجاز بوده و نتایج آن باید در دسترس عموم قرار گرفته و به نفع بشریت مورد استفاده قرار گیرد (جمالی، 1390: 18-19).

این در حالی است که ملی‌گرایان فرهنگی بر این باورند که اموال فرهنگی باید در کشور مبدأ خود باقی بمانند و با تأکید رابطه ای بین اشیا و میراث فرهنگی، خواهان بازگرداندن اموال فرهنگی به موطن خود هستند. این نظریه ریشه در اصل حاکمیت دولت دارد که حق دولت را برای کنترل یا نظارت بر فعالیت‌ها، مردم یا اشیای موجود در مرزهای قلمرو خود به رسمیت می‌شناسد (Veres, 2014: 109). این رویکرد با هدف حفظ تمامی اشیای فرهنگی در کشور مبدأ، منشأ ملی آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ علاقه مندی خاصی را به ملت‌ها می‌بخشد؛ دلالت بر پیوستگی و یزگی ملی با اشیا فارغ از مکان با مالکیت آن‌ها دارد؛ و به کنترل‌های اعمال شده بر صادرات ملی و تقاضا برای بازگرداندن اموال فرهنگی به وطن، صورت قانونی می‌بخشد (Willis, 2005: 229).

با توجه به منافع و پیامدهای مثبت ناشی از اصل میراث مشترک بشریت، که در درجه نخست حفاظت و دور نگه داشتن آن‌ها از آسیب، جامعه جهانی در تعیین مصادیق میراث مشترک به سمت تعدد و کثرت گام برداشته است؛ بدین صورت که تلاش شده عناصر اصلی میراث مشترک بشریت با اصول تقریباً همسان دیگر جایگزین شود. در این راستا، اصول استفاده غیر انحصاری، اصل تقسیم مسئولیت، نفع بشریت، مدیریت بین‌المللی و استفاده مسالمت آمیز به عنوان عناصر نوین میراث مشترک بشریت پیشنهاد شده است (رستمی، 1395: 117-113).

1-4- اسناد بین‌المللی در زمینه حمایت از آثار فرهنگی - تاریخی

تخریب اموال و آثار فرهنگی - تاریخی در حین مخاصمات مسلحانه و غیر از آن، باعث گردیده تا جامعه بین‌المللی در صدد حمایت از این اموال از طریق وضع برخی قوانین برآیند. در این راستا اسناد و قوانین متعددی به تصویب رسیده‌اند.

اولین تعهد الزام آور بین‌المللی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی مربوط به کنفرانس‌های لاهه از 1899 تا 1907 می‌شود. در هر دو کنوانسیون مذکور ماده زیر گنجانیده شده است: «تمامی اقدامات لازم می‌بایست به کار گرفته شود تا حتی‌الامکان از آثار باستانی با علم به اینکه نباید به عنوان اهداف نظامی مورد استفاده قرار گیرند، چشم‌پوشی کرد» (صمدی، 1377: 137). در ماده 56 مشترک این کنوانسیون‌ها، اعضاء متعهدند تا اقداماتی به عمل آورند که از ساختمان‌های خاص هنری، علمی، مذهبی و غیره به شرط آنکه این مکان‌ها هم‌زمان برای اهداف نظامی به کار نروند، محافظت شود. مصادره و تخریب یا خسارت عمدی به اشیای منقول هنری و علمی و مؤسسات و بناهای تاریخی ممنوع است. کنوانسیون چهارم لاهه 1907 غارت و چپاول اموال فرهنگی را محکوم می‌کند بلکه تخریب آن‌ها توسط اطراف مخاصمه یعنی نیروهای مسلح را ممنوع می‌داند.

کنوانسیون 1954 لاهه، مهم‌ترین سند در حمایت از اموال فرهنگی - تاریخی است. این کنوانسیون در مقدمه خود بیان می‌دارد: «طرف‌های قرارداد با توجه به اینکه در جریان آخرین تعارضات، اموال فرهنگی، با توسعه تکنیک‌های جنگ دستخوش خسارات و لطمات شدیدی شده و هر لحظه‌ای

بیش از پیش مورد تهدید این تعارضات مسلحانه است (بند 1 مقدمه)، با توجه به این اعتقاد که هر نوع تجاوز به اموال فرهنگی، صرف‌نظر از تعلق آن به هر ملتی، تجاوز به اموال فرهنگی جامعه بشری است و این‌که هر ملتی در فرهنگ جهانی سهمی دارد (بند 2، مقدمه)، با عنایت به این نکته که حفظ اموال فرهنگی برای کلیه ملل عالم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و برای حفظ اموال، حمایت بین‌المللی ضروری است (بند 3، مقدمه)، با توجه به این‌که حمایت از این اموال، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، باید در زمان صلح انجام گیرد تا مؤثر باشد، کلیه اقدامات ممکن را برای حمایت از اموال بین‌المللی به عمل می‌آورد (بند 5، مقدمه).

کنوانسیون 1954 لاهه هم شامل مقرراتی است که در زمان جنگ و هم در زمان صلح معتبر و لازم‌الاجرا هستند، می‌شود. مطابق ماده 9 پروتکل دوم کنوانسیون 1954، دولت‌های عضو کنوانسیون بایستی از صدور غیرقانونی و دیگرانواع انتقال مالکیت و حفاری‌های باستان‌شناسی به صورت غیرقانونی جلوگیری و در صورت لزوم بایستی با همکاری و هماهنگی مقامات صلاحیت دار کشور مزبور صورت گیرد. پروتکل دوم کنوانسیون 1954 در بردارنده تعهداتی است که در توصیه‌نامه 1956 یونسکو در خصوص اصول بین‌المللی حفاری‌های باستان‌شناسی بیان شده است.

یونسکو مؤثرترین سازمان بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی است. تلاش‌های این سازمان در حمایت از انعقاد معاهدات مربوط به اموال فرهنگی قابل توجه است. کنوانسیون 1970 تحت عنوان «اتخاذ تدابیر لازم در خصوص ممنوعیت و جلوگیری از ورود، خروج و انتقال غیر قانونی اموال فرهنگی»، کنوانسیون 1972 میراث جهانی، اعلامیه 2003 تخریب عمدی میراث فرهنگی و اعلامیه 2001 تنوع فرهنگی از مهم‌ترین اسنادی هستند که این سازمان در حمایت از اموال فرهنگی - تاریخی تصویب کرده است. پیش‌بینی «فهرست میراث جهانی»⁶، دستورالعمل اصلی کنوانسیون 1972 حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان محسوب می‌شود. پدیدار شدن مفهوم میراث فرهنگی ناملموس در آغاز هزاره سوم میلادی، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا سازوکار مقرر در مورد فرهنگی ملموس را در مورد این قسم از میراث فرهنگی، تحت عنوان «فهرست نمونه میراث ناملموس بشر»⁷ در کنوانسیون 2003 حراست از میراث فرهنگی ناملموس، پیش‌بینی کند (فروغی و دیگران، 1399: 183).

علاوه بر اسناد و کنوانسیون‌ها برخی دادگاه‌های بین‌المللی نیز تخریب میراث فرهنگی را به عنوان یک جرم بین‌المللی شمرده و در مورد آن آرائی نیز صادر کرده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی در بند 2 ماده 8 اساسنامه خود حمله مستقیم قاصدانه به میراث فرهنگی را جنایت جنگی می‌داند. همچنین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در ماده 3 خود «توقیف و تخریب عامدانه مؤسسات مذهبی، خیریه و آموزشی و میراث تاریخی، علمی و هنری» را جزء جرائم قابل محاکمه در این دیوان می‌داند. ماده (د) 3 اساسنامه مقرر داشته است که: «دادگاه بین‌المللی در تعقیب و تحت پیگرد قرار دادن افرادی که قوانین یا عرف جنگی را نقض کرده‌اند، دارای اختیار می‌باشد. چنین

⁶ World Heritage List.

⁷ Representative List of the Intangible Cultural Heritage of Hummanity.

موارد نقضی بدون این‌که به موارد زیر محدود شوند عبارتند از: د) تصرف، تخریب یا ایراد خسارت عمدی به نهادهای اختصاص داده شده به مذهب، امور خیریه و آموزش و پرورش، هنرها و علوم، بناهای تاریخی و آثار هنری و علمی.

دادگاه بین‌المللی نظامی نورمبرگ، این دادگاه تشخیص داد که موارد نقض مقررات لاهه جنایت جنگی تلقی می‌شود، زیرا مقررات این معاهده در زمان جنگ جهانی دوم به صورت عرفی درآمده بود. جنایت جنگی می‌تواند متضمن فعل یا ترک فعل باشد. برعکس جنایت علیه بشریت که ارتکاب اعمال ممنوعه به طور گسترده و سازمان‌یافته می‌باشد، هرگونه نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه جنایت جنگی محسوب می‌شود (هنکرتز و دوسوالدبگ، 1391: 803). این دادگاه برای اولین بار یکی از سران آلمان نازی را محکوم به نقض قوانین بر علیه اموال فرهنگی کرد.

بنابراین با توجه به عوامل تخریب و از بین رفتن آثار و اماکن فرهنگی - تاریخی، حمایت از این آثار تنها به دوران جنگ محدود نشده و بایستی در غیر این حالت نیز مورد حمایت قرار گیرند که متأسفانه این حمایت‌ها در اسناد بین‌المللی بیشتر به زمان مخاصمات و بیشتر مخاصمات بین‌المللی اختصاص یافته اند.

2- حمایت از اموال فرهنگی - تاریخی در حقوق داخلی افغانستان

همان‌طور که بیان شد، اموال فرهنگی - تاریخی، میراث فرهنگی مشترک بشریت بوده و گاهی طی مخاصمات، طرف‌های درگیر به خاطر از بین بردن فرهنگ و تاریخ یک ملت و تضعیف روحیه طرف مقابل دست به تخریب آثار فرهنگی آن ملت می‌زنند. این تخریب امکان دارد طی یک مخاصمه بین‌المللی، داخلی و یا هم در زمان صلح صورت گیرد که البته این امر حین مخاصمات به صورت عمدی و کمتر به صورت سهوی اتفاق می‌افتد.

بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان همواره منجر به بروز و ظهور گروه‌های شورشی و افراطی شده است که بر حسب داشتن ایدئولوژی‌های افراطی باعث صدمات و لطمات فروان در عرصه‌های مختلف درکشور شده‌اند. این گروه‌ها به دلیل قائل بودن حقوقی برای خود حقوق دیگران را محترم نشمارده و همواره حقوق دیگر گروه‌ها را نقض کرده و این عمل نیز در نزدشان دارای مشروعیت است. نقض حقوق بشر افراد همواره در مخاصمات ایجاد شده در داخل کشورها، آن هم در مخاصماتی که یک گروه افراطی در یک سو قرار دارد رخ می‌دهد. تخریب میراث فرهنگی و تاریخی نیز هدف و کانون اصلی بعضی از این ایدئولوژی‌های اسلام‌گرا هستند. میراث فرهنگی نیز جزئی از حقوق بشر افراد است که زیر مجموعه حقوق فرهنگی به حساب می‌آید و از این لحاظ دارای اهمیت فراوانی هستند.

طالبان در سال 2001 با در اختیار گرفتن حکومت در افغانستان دست به تخریب مجسمه‌های بودا در ولایت بامیان زدند. ملا عمر، رهبر طالبان، حذف تمامی نشانه‌های میراث فرهنگی غیر اسلامی را از سراسر افغانستان خواستار شد. انتشار فرمان از دیوان عالی افغانستان مبنی بر تخریب مجسمه‌های بودا، به این سیاست قوت بخشید. طالبان تأکید کردند که این حکم به عنوان امری ضروری برای

جلوگیری از بت پرستی و واجب در قانون شریعت، موضوعی کاملاً داخلی است. با این وجود، بیش از یکصد دولت اعتراض خود را به این قضیه از جمله تهدید به تحریم روابط دیپلماتیک در برخی موارد، اعلان کردند. مجمع عمومی سازمان ملل بلافاصله قطعنامه ای را با حمایت بیش از نود نماینده تصویب کرد و از طالبان خواست تا بلافاصله برای جلوگیری از تخریب بیشتر یادگارها، آثار تاریخی یا آثار هنری غیر قابل جایگزین مربوط به میراث فرهنگی افغانستان اقدام کند. علاوه بر این، یونسکو، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا، شورای اروپا و گروه جی 8، این تخریب را به عنوان نقض حقوق بین الملل محکوم کردند (فروغی و دیگران، 1399: 198).

دولت طالبان به طور سازمان یافته، نه تنها مجسمه های معروف موجود در این صخره ها، بلکه صندوق های پر از آثار هنری و مجسمه های باستانی بودایی و قندهاری موجود در موزه ملی کابل را نیز نابود کرد (Fishman, 2000: 362). چند ماه پس از انهدام تندیس های بودا در مارس 2001 مجمع عمومی دولت های عضو کنوانسیون میراث جهانی در مقدمه قطعنامه راجع به حمایت از میراث فرهنگی در افغانستان، تخریب تندیس های بودا توسط طالبان را به عنوان جنایت علیه میراث مشترک بشریت محکوم کرد (UNESCO, 2001: Preamble).

مدتی بعد نیز کنوانسیون عمومی سازمان یونسکو در سی و یکمین نشست خود، نخستین نشست پس از تخریب تندیس های بودا، قطعنامه ای با عنوان «اعمال تشکیل دهنده جنایت علیه میراث مشترک بشریت» تصویب کرد. هرچند متن قطعنامه هیچ اشاره ای به جنایت نمی کند، ضمن تشویق دولت ها برای الحاق به کنوانسیون های بین المللی میراث فرهنگی برای تقویت و گسترش حمایت از میراث فرهنگی بشریت به ویژه در برابر رفتارهای خرابکارانه، از دبیر کل یونسکو درخواست کرد که برای سی و دومین نشست کنفرانس عمومی، پیش نویس قطعنامه ای راجع به تخریب عمدی میراث فرهنگی را بر مبنای اصول کنونی حقوق بین الملل در مورد حمایت از میراث فرهنگی تنظیم و ارائه دهند (WHC, 2001: 13). در این راستا، در سال 2003، یونسکو اعلامیه ای راجع به تخریب عمدی میراث فرهنگی تصویب کرد. این اعلامیه بیان می کند: «میراث فرهنگی عنصر مهم تشکیل دهنده هویت فرهنگی جوامع، گروه ها و افراد و همبستگی اجتماعی محسوب می شود، لذا تخریب عمدی آن می تواند پیامدهای نامطلوبی بر کرامت و حقوق بشر داشته باشد» (UNESCO, 2003: Preamble).

هنگامی که یونسکو در تلاش بود به سندی تخصصی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی دست یابد جورج برلیا را مأمور کرد گزارشی را برای یونسکو تهیه کند، او در این گزارش بر اهمیت اقدامات بازدارنده - تنبیهی تأکید داشت. اقدامات بازدارنده از طریق تلاش های طرح OIM 1938 تأمین شدند. برلیا در گزارش خود نه تنها از تخلف تعهدات میراث فرهنگی به عنوان جنایت جنگی یاد کرد بلکه بحث خود را تا جایی پیش برد که این تخلفات را جنایت علیه بشریت و نسل کشی نامید، دو جرمی که مشمول محاکمه کیفری می شوند. البته تغییر در نوع نگرش به نقض تعهدات مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی (یعنی جنایت جنگی خواندن آن و بعد هم فراتر رفتن و آن را جنایت علیه بشریت و نسل کشی خواندن) به قبل از این گزارش و کنوانسیون 1954 باز می گردد. منطقی که در

این کنوانسیون از حفاظت از میراث فرهنگی دفاع می‌کند دیگر بر اهمیت جهانی این اموال یا پیشرفت علم و هنر تأکید ندارد، اگر چه که این دو مهم هنوز هم پابرجا هستند، بلکه دلیل آن پیچیده‌تر شده و آن اهمیتی است که این میراث برای مردم دارد. این تغییر را بیشتر می‌توان در اسناد چند جانبه اخیر برای حمایت از میراث فرهنگی و حقوق بشر مشاهده کرد (کاشانی، 1391: 153).

در این اواخر نیز زمره‌هایی از تخریب در اطراف مجسمه‌های بودا شنیده می‌شود که موجب نگرانی افکار عمومی شده است. افراد طالبان هم در عقب و هم در دامنه تندیس‌های بودای بامیان که در سال 2001 انفجار داده بودند مصروف کنکاری و حفاریات‌اند. این فریات دقیقاً در ناحیه‌ای صورت می‌گیرد که باستان‌شناسان گفته‌اند ممکن است یک معبد بودایی در این ناحیه در زیر خاک وجود داشته باشد (اکرمی، 2022).

2-1- قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان 1382 در ماده نهم، به حفظ و حراست میراث فرهنگی اشاره دارد و در این ماده چنین بیان می‌کند: « معادن و سایر منابع زیرزمینی و آثار باستانی به ملکیت دولت می‌باشند. حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می‌گردد». همانطور که در قانون اساسی بیان شده است دیدگاه این قانون نسبت به اموال و اماکن تاریخی دیدگاه ملی‌گرایی است. اصل سنتی حاکمیت دولت‌ها بر اموال واقع در قلمرو سرزمینی، به دولت‌ها اختیار و اقتدار قانونی می‌دهد تا اموال مزبور را آن گونه که مقتضی و مناسب می‌دانند، اداره کنند. به بیان دیگر، دولت‌ها می‌توانند بنا بر دلایل مختلف نسبت به تخریب اموال موجود در قلمروشان اقدام کنند. در ظاهر، تخریب اموال فرهنگی نیز مشمول این قاعده عام است؛ چون تخریب اموال فرهنگی توسط دولت در قلمروی خود، هیچ گونه تعهد معاهده‌ای موجود را نقض نمی‌کند. بنابراین، پذیرش رویکرد ملی‌گرایی فرهنگی که از جمله بر حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر اموال خود بنا نهاده شده، اختیار کامل را به دولت‌ها ارزانی می‌دارد تا بدون هراس از مسئولیت بین‌المللی، اموال فرهنگی را تخریب کنند (فروغی و دیگران، 1399: 197).

بر مبنای حقوق بین‌الملل متبلور در اساسنامه یونسکو و کنوانسیون 1972 راجع به حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، دولت محل وقوع اموال فرهنگی عملاً به نمایندگی از جامعه بین‌المللی از میراث فرهنگی حمایت و نگهداری می‌کند. بنابراین، در مواردی که تخریب ناشی از عمد یا عدم رعایت احتیاط لازم باشد، بی‌شک مسئولیت دولت قابل طرح بوده و سایر دولت‌ها می‌توانند بر صد دولت مسئول در مراجع بین‌المللی طرح دعوی کنند (ممتاز، 1391: 99).

هرچند در سال 2001 که طالبان بر افغانستان حکومت می‌کردند دارای قانون اساسی نبوده و بر اساس فرمان کشور را اداره می‌کردند؛ اما تخریب مجسمه‌های بودا را می‌تواند آئینه رویکرد ملی-گرایی فرهنگی دانست که دولت خود را مالک این اموال می‌داند. این رویکرد در قانون اساسی 1382 جمهوری اسلامی افغانستان نیز متبلور است اما آن حکومت تا حدی برای اسناد و تعهدات بین‌المللی خود در ظاهر احترام قائل بود هرچند بسیاری از اموال فرهنگی – تاریخی در این دوره به

صورت غیر قانونی از کشور خارج شدند. اما امارت اسلامی حکومتی بوده و هست که از رفتار آن در صحنه داخلی و بین‌المللی می‌توان دریافت که هیچ ارزش و احترامی برای حقوق بشر، آثار فرهنگی - تاریخی و تعهدات بین‌المللی قائل نیست. بوداهای بامیان دو مجسمه تاریخی بزرگ بودند که با قرار گرفتن در فهرست موقت میراث جهانی، در انتظار ثبت در فهرست میراث جهانی قرار داشتند. این بناها نماد و مظهر سرفصلی تاریخی - فرهنگی برای بوداییان و نیز غیر بوداییان به مدت تقریباً 1500 سال به ویژه در دوران طلایی جاده ابریشم بود.

امروزه در اثر تفوق فراملی‌گرایی بر ملی‌گرایی فرهنگی، تخریب میراث فرهنگی دارای ارزش برجسته جهانی که میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود، توسط هر دولت که انجام پذیرد، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را در برابر جامعه جهانی که معتقد به فراملی‌گرایی فرهنگی است، در پی خواهد داشت (فروغی و دیگران، 1399: 203). بدین ترتیب، نهاد های بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی کیفری، در صورت احراز صلاحیت، می‌توانند علیه دولت‌ها یا مقامات دولتی که به وجوه یاد شده تعهدات بین‌المللی در قبال حفاظت از میراث فرهنگی را نقش می‌کنند، اقدام کنند.

دولت‌های عضو معاهدات حقوق بشردوستانه بر اساس «اصل وفای به عهد»، ملزم به رعایت قواعد مندرج در این گونه معاهدات هستند. آن‌ها باید تمامی توان خود را برای رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه به کار گیرند. به عبارت دیگر، زمانی که دولتی به عضویت معاهده حقوق بشردوستانه بین‌المللی درمی‌آید، رعایت تمامی تعهدات مندرج در آن معاهده را بر عهده می‌گیرد. بنابراین ممکن است دولت به دلیل نقض تعهدات خود بر اساس قوانین مربوطه، مسئول شناخته شود (طیبی و منصور، 1394: 175).

در خصوص التزام و تعهد دولت افغانستان به قواعد بشردوستانه، گفتنی است از آنجا که این دولت، عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، اعلامیه جهانی حقوق بشر و ... است، ملزم به رعایت مفاد ماده 1 مشترک و به ویژه ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در قالب تعهدات قراردادی و هم در قالب حقوقی عرفی (به دلیل ماعیت عرفی این مواد) است. از آنجا که این ماده دربرگیرنده بنیادی‌ترین اصول احترام به کرامت انسانی است، کلیه متخصصین باید به عنوان «قواعد آمره» در مخاصمات داخلی آن را رعایت کنند. بنابراین، مفاد آن برای همه دولت‌ها اعم از عضو و غیرعضو الزامی است.

علاوه بر تعهدات قراردادی، دولت افغانستان متعهد به رعایت قواعد عرفی بشردوستانه حاکم بر مخاصمات داخلی هم هست. مهم‌ترین نقش قواعد بشردوستانه عرفی که حاصل رویه و عملکرد دادگاه‌ها و محاکم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین بیانیه‌های دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های نظامی است، در حوزه مخاصمات مسلحانه داخلی آن است که دامنه قواعد مزبور از ترتیبات و مقررات مندرج در ماده 3 مشترک و پروتکل الحاقی دوم فراتر می‌رود و خلأ موجود در قواعد معاهده‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی به ویژه در خصوص ممنوعیت و محدودیت جنگ‌افزارها و شیوه‌های جنگی را برطرف می‌کند. مزیت دیگر حقوق عرفی، فراگیر بودن آن است.

بدین ترتیب، مفاد معاهداتی که بیانگر اصول حقوق عرفی است برای کلیه دولت‌ها اعم از عضو و غیر عضو الزام‌آور است.

اسناد دیگری هم وجود دارند که صراحتاً به مسئولیت کیفری مخربین میراث فرهنگی اشاره کرده‌اند. در این خصوص اعلامیه 2003 یونسکو برای تخریب عمدی میراث فرهنگی اعلام می‌کند که دولت‌ها «جهت ایجاد صلاحیت برای ضمانت اجرای کیفری مؤثر علیه کسانی که عامداً میراث فرهنگی دارای اهمیت زیاد برای بشریت را تخریب می‌کنند یا فرمان چنین کاری را صادر می‌کنند، چه این میراث در فهرست یونسکو یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی ثبت شده باشد چه نشده باشد، تعهد می‌کنند تا کلیه اقدامات مناسب مطابق با حقوق بین‌الملل را اتخاذ کنند».⁸

طالبان قانون اساسی 1382 جمهوری اسلامی افغانستان را نافذ ندانسته و قانون اساسی دوران ظاهر شاه 1343 را تا زمان تدوین قانون اساسی امارت اجرا می‌نماید. در این قانون اساسی نیز ماده‌ای در خصوص اموال فرهنگی – تاریخی وجود ندارد. اما مطابق با اسناد بین‌المللی طالبان ملزم به رعایت این اسناد بوده و با تغییر دولت‌ها تغییری در تعهدات ایجاد نمی‌گردد و بایستی اموال فرهنگی – تاریخی را حمایت و محافظت نماید.

2-3- قانون حمایت از اماکن فرهنگی – تاریخی

قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان در تاریخ 1383 / 2/26 به تصویب رسید. این قانون که نسبتاً قانون جامعی است سرپرستی همه مؤسسات مربوط به حفظ و کاوش آثار تاریخی را به عهده وزارت اطلاعات و فرهنگ نهاده است. ماده دوم این قانون بیان می‌کند: «آثار تاریخی و فرهنگی کشور متعلق به مردم افغانستان بوده و مظهر سهمگیری ایشان در سیر تکامل میراث‌های فرهنگی عموم بشریت می‌باشند. حفظ آثار تاریخی و فرهنگی وظیفه دولت و مردم افغانستان است». این قانون در ماده سوم به تعریف و بیان مصادیق میراث فرهنگی – تاریخی پرداخته، بیان می‌کند: «1- کلیه محصول کار بشر منقول یا غیر منقول که از نظر تاریخی، علمی، هنری و فرهنگی دارای ارزش برجسته و جامع بوده، حداقل قدامت صد ساله داشته باشد. 2- آثاری که کمتر از صد سال عمر داشته ولی از نظر ارزش علمی، هنری و فرهنگی قابل نگهداشت شناخته شود». ماده هشتم: «کلیه آثار تاریخی و فرهنگی منقول و غیر منقول که در افغانستان کشف شده یا زیر زمین پنهان باشد، با رعایت احکام این قانون ملکیت دولت بوده و هر نوع انتقال غیر مجاز آن سرقت محسوب می‌گردد».

این قانون نیز از نظریه فراملی‌گرایی پیروی کرده و اموال فرهنگی – تاریخی را در ماده دوم متعلق به مردم و وظیفه حمایت و حفاظت از آن را بر عهده دولت نهاده است و در ماده هشتم این آثار را متعلق به دولت می‌داند. نظریه ملی‌گرایی چنانچه بیان شد دست دولت‌ها را در چگونگی برخورد با اموال فرهنگی – تاریخی باز می‌گذارد و از طرفی دخالت دولت‌های دیگر و حدود حمایت آنان را محدود می‌کند. که محدودیت در حال حاضر و با حضور امارت اسلامی که یک گروه اسلامی افراط-گرا است به زیان اموال فرهنگی – تاریخی افغانستان است.

⁸ بند VII اعلامیه 2003 یونسکو در خصوص تخریب عمدی میراث فرهنگی.

نتیجه‌گیری:

- اهمیت بالای اموال فرهنگی - تاریخی باعث گردیده تا جامعه بین‌المللی به صورت گسترده به حمایت و حفاظت از این اموال و اماکن بپردازند و قواعد و قوانینی را در این راستا تدوین نمایند. اما مسأله ای که در این اسناد بین‌المللی مغفول واقع شده است مسأله کیفر است. بی‌کیفر مانی جرائم یکی از دلایل ارتکاب آن می‌تواند باشد. تخلفات شدید به خصوص تخلف از قواعد بشردوستانه و حقوق بشری افراد که برای تمامی افراد جامعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند نباید بدون مجازات بمانند.

- در خصوص مخاصمه داخلی افغانستان، شورا در قطعنامه 1193 مصوب 28 اوت 1998، اصل مسؤلیت فردی عاملان و آمران به ارتکاب تخلفات عمده از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تکرار می‌کند. نظیر این یادآوری را در قطعنامه 1214 مصوب 8 دسامبر 1998 باز هم می‌بینیم. در مقدمه قطعنامه، شورا با اظهار نگرانی شدید از تداوم مخاصمه افغانستان ناشی از حملات طالبان که تهدیدی فزاینده بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته و مایه رنج و عذاب شدید مردم عادی شده است، همچنین با ابراز نگرانی از بحران انسانی ناشی از اقدامات طالبان، دیگر بار می‌گوید همه کسانی که مرتکب نقض کنوانسیون‌های ژنو می‌شوند یا امر به این اعمال می‌کنند، فردا مسؤل هستند.

- با توجه به متن اسناد بین‌المللی واضح است که دولت‌ها موظف هستند تا میراث فرهنگی را مورد حمایت و حفاظت قرار دهند و از تخریب و غارت آن جلوگیری نمایند. همچنین دولت‌ها بایستی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی قوانین را تصویب نمایند و میراث فرهنگی را شناسایی و برای حمایت بیشتر آن‌ها را به ثبت برسانند. جامعه جهانی به خصوص یونسکو بایستی در جهت حمایت از آثار فرهنگی - تاریخی افغانستان به عنوان میراث جهانی مشترک، طالبان را در جهت تدوین قانون و رعایت تعهدات بین‌المللی تحت فشار قرار داده و در جهت کیفر تخریب‌کنندگان این آثار تلاش نماید.

- بالا بردن سطح آگاهی مردم در حفاظت این آثار تأثیر فراوانی دارد که تلاشی همگانی را می‌طلبد. چه فقر مالی و چه فقر فرهنگی از نوع عدم آگاهی می‌تواند صدمات زیادی به میراث فرهنگی وارد کند. فقر مالی باعث می‌شود مردم دست به تجارت غیر قانونی میراث فرهنگی بزنند و یا برای رشد اقتصادی و توسعه اهمیتی برای تخریب میراث فرهنگی در سر راهشان قائل نباشند. از طرفی دیگر فقر فرهنگی و یا عدم آگاهی افراد به اهمیت میراث فرهنگی و نقشی که این میراث می‌تواند در هویت آن‌ها و همین‌طور آینده بلند مدت آن‌ها داشته باشد باعث می‌شود که این مردم علاقه ای به حفظ میراث فرهنگی خود از جمله میراث ناملموس مانند حفظ زبان، آداب و رسوم و در مجموع شیوه سنتی زندگی خود نداشته باشند. بنابراین، اولین قدم برای حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی و اماکن عبادی، آموزش و آگاهی افراد جامعه است. همان‌طور که بیان شد تخریب این اماکن تنها در زمان مخاصمات مسلحانه صورت نمی‌گیرد بنابراین راه‌های حمایت و حفاظت از آن نیز تنها به

زمان جنگ محدود نمی شود. بنابراین آموزش افراد در جهت حفاظت و همچنین جلوگیری از قاچاق این اموال بسیار مهم و مؤثر است.

- گسترش و اجباری کردن نظام فراملی‌گرایی در زمینه اموال فرهنگی - تاریخی و کاهش اختیارات دولت‌ها در این زمینه بسیار مهم می‌نماید به ویژه در کشورهایی مانند افغانستان. به این دلیل که بسیاری از کشورها که از اقوام مختلف تشکیل شده‌اند امکان دارد حتی در ثبت و تخریب این میراث کاملاً تبعیض‌آمیز رفتار کنند. همچنین گسترش نگاه حقوق بشری به اموال فرهنگی - تاریخی، اصل احترام به تنوع فرهنگی و نظام‌های فرهنگی و مذهبی مختلف به عنوان عناصر سازنده تمدن بشری، برای حفظ و توسعه اصول خود در بطن این کلیت مشترک ذی حق می‌باشد، دارای اهمیت و تأثیر بسزایی دارد.

فهرست منابع:

- جمالی، حمیدرضا (1390)، میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، جلد دوم (اصول حاکم بر کاربرد میراث مشترک بشریت)، تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.
- باقرزاده، رضوان و رنجبریان، امیرحسین (1394)، بنیان اجرای حقوق بشردوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره 46.
- توکلی طیبی، علی و منصوری، فرنگیس (1394)، تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 52.
- صمدی، یونس (1386)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، چاپ دوم، تهران: اداره کل آموزش انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور.
- رستمی، مرتضی (1395)، میراث‌های طبیعی جهانی در نظام حقوق بین‌المللی و داخلی، انتشارات شهر دانش.
- فروغی، فضل‌الله، صادقی، محمدهادی و غنی، کیوان (1399)، پیامدهای ثبت میراث فرهنگی در فهرست میراث جهانی یونسکو بر اعمال حاکمیت و مسئولیت دولت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم.
- فلک، دیتز (1387)، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیدقاسم زمانی و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
- کاشانی، نارین (1391)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حفاظت از میراث فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.

- ممتار، جمشید (1391)، یونسکو و تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در حمایت از اموال فرهنگی، مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، انتشارات شهر دانش.

- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (1391)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه ج.ا.ا.، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، 1382.

- قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی افغانستان، 1383.

<https://m.dw.com>, 28.1.2022.

- Brooks, Julia (2015), Attacks on Cultural Heritage in Armed Conflict, Harvard : Humanitarian Initiatives Humanitarian Academy at Harvard, Available at: <http://www.atha.se/blog/ihl-briefing-2>.

- Convention for the Protection of Cultural Property in Event of Armed Conflict, 14 May 1954 available at: <http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL-ID=13637&URL-DO=DO-TOPIC&URL-SECTION=201.html>

- Willis, Lindsay E. (2005) Looting in Ancient Mesopotamia: a Legislation Scheme for the Protection of Iraq s Cultural Heritage, **GA. J. INTL & COMP. L.**, Vol. 34.

- WHC, Acts constituting Crime against the common Heritage of Humanity, UNESCO Doc WHC - 01/con P: 208/23, 22 November 2001.